

از دل وحی

در باب اعجاز قرآن

اعجاز قرآن عنوان مبحثی در علوم قرآنی است که به معجزه بودن قرآن کریم می پردازد و در عین حال، با بحث هایی در حوزه کلام اسلامی و ادبیات عرب نیز مرتبط است. معجزه بودن قرآن به معنای آن است که این کتاب از جهات مختلف یعنی لفظ، معنا، ساختار و... دارای ویژگی های فوق انسانی است و بشر از آوردن مانند آن ناتوان است. پس قرآن ساخته دست بشر نیست، بلکه کلام خداست. برای اثبات اعجاز قرآن، در آیات متعددی «تحدی» شده است. تحدی بدین معناست که خداوند در قرآن از منکران خواسته است که اگر قرآن را کلام خدا نمی دانند، مانند آن بیاورند و از آنجا که هیچ کس نتوانسته است مانند آن بیاورد، حقانیت کلام الهی به اثبات می رسد. جهات مختلفی برای اعجاز قرآن بیان شده است. یکی از این جهات نظریه «صرفه» است (یعنی خداوند، معارضان قرآن را که می خواستند در برابر تحدی قرآن، مثل آن یا سوره ای را بیاورند، ناتوان کرده است) که مورد انتقاد جدی قرار دارد. اما سوره های ادبی و معنوی قرآن همچنان به عنوان مهم ترین جهات اعجاز قرآن مطرح هستند. بخشی از اعجاز قرآن به زیبایی های ادبی و هنری کلام الهی اختصاص دارد که همواره دانشمندان بلاغت قرآنی در آن اختلاف نظر دارند. بعضی چون ظاهرگرایان افراطی که تنها به ظاهر الفاظ قرآن بسنده می کنند، وجود هر نوع تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و... را در آیات انکار می کنند و بعضی چون تأویل گرایان افراطی با نفی ظاهر الفاظ، برای آیات محکم با معنای صریح و روشن نیز، به دنبال تأویل باطنی هستند. از میان شاعران زبان فارسی ناصر خسرو و مولانا جلال الدین به دلیل رویکرد تأویل گرایانه نسبت به آیات قرآن، بیش از دیگر شاعران وجود زبان مجازی و استعاری را بر مبنای اعجاز بلاغی باور دارند. در حوزه بلاغت قرآن اختلاف نظر اساسی این است که آیا پذیرفتن زبان مجازی و استعاری قرآن به ساحت مقدس کلام الهی خدشه وارد می کند؟ و چرا برخی وجود زبان مجازی در قرآن را نفی کرده اند؟ آیه ۴۰ سوره اعراف، برجسته ترین آیه ای است که نوعی مبالغه را نشان می دهد و مطالعه تفاوت نظر مفسرین در ارائه شرح این آیه و راه یافتن بعضی مثل های زبان عرب در قرآن برای بیان مفاهیم متعالی، تحلیلی فرامتنی را لازم دارد.

وقایع رمضان

تولد فقیه بزرگ سید محمد مهدی بحر العلوم

علامه دهر، سید محمد مهدی طباطبایی بروجردی، ملقب به بحر العلوم، در آخرین ساعات ماه رمضان، قبل از طلوع عید فطر سال ۱۱۵۵ هجری قمری در کربلا به دنیا آمد. او به علت فراست و کوشش فراوان، در نوجوانی به درس خارج پدر بزرگوار خود راه یافت و پس از آن در حلقه درس استاد بزرگ حوزه آیت الله وحید بهبهانی قرار گرفت و بعد از ۵ سال به اجتهاد نایل آمد. ایشان پس از وفات استادش، وحید بهبهانی رهبری کامل وزعامت و مرجعیت شیعه را به دست گرفت و آوازه او آفاق را پر کرد. شیخ جعفر کاشف الغطاء، حجت الاسلام محمد باقر شفق، سید عبدالله شبر، سید محمد مجاهد، سید محمد جواد عاملی و شیخ احمد نراقی و... از جمله شاگردان بارز او بوده اند. از سید، تالیفات متعددی بر جای مانده که المصباح فی الفقه، مشکاه الهدایه و کتاب الرجال از آن جمله اند. این عالم ربانی سرانجام در رجب یازدهم سال ۱۲۱۲ هجری قمری در ۵۷ سالگی دار فانی را وداع و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

مناجات

شاه قاجار در محضر حکیم سبزواری

ناصرالدین شاه در سفر خراسان قصد دیدار حکیم و عارف معروف، حاج ملاهادی سبزواری را کرد. تعیین وقت شد و یک روز ظهر، شاه به اتفاق یک نفر پیشخدمت به خانه محقر حکیم رفت. شاه ضمن صحبت ها گفت: «هر نعمتی شکرش دارد، شکر نعمت علم، تدریس و ارشاد است. شکر نعمت مال اعانت و دستگیری است و شکر نعمت سلطنت هم البته انجام حوائج است. لکن من میل دارم شما از من چیزی بخواهید تا توفیق انجام آن را پیدا کنم.» جواب شنید: «من حاجتی ندارم.» شاه گفت: «شنیده ام شما یک زمین زراعتی دارید، اجازه بدهید دستور دهم آن زمین از مالیات معاف باشد.» جواب شنید: «دفتر مالیات دولت مشخص است که از هر شهری چقدر وصول شود. اساس آن با تغییرات جزئی به هم نمی خورد. اگر در این شهر از من مالیات نگیرند همان مبلغ را از دیگران زیادتر خواهند گرفت، تا مجموعی که از سبزواری باید وصول شود تکمیل شود. شاه راضی نشوند که تخفیف دادن به من یا معاف شدن من از مالیات، سبب تحمیلی بر یتیمان و بیوه زنان گردد. به علاوه دولت که وظیفه دارد حافظ جان و مال مردم باشد، هزینه هم دارد و باید تأمین شود. ما بارغب، خودمان این مالیات را می دهیم.» شاه گفت: «میل دارم امروز در خدمت شما غذا صرف کنم و از همان غذای هر روز شما بخورم.» حکیم بدون این که از جاحرت کند فریاد کرد: «غذای مرا بیاورید.» فوراً آوردند. طبقی چوبین که بر روی آن چند قرص نان و چند قاشق و یک ظرف دوغ و مقداری نمک دیده می شد جلوشاه و حکیم گذاشتند. حکیم گفت: «بخور که نان حلال و دسترنج زراعت خودم است.» شاه یک لقمه خورد اما دید به چنین غذایی عادت ندارد و از نظر او قابل خوردن نیست. پس از حکیم اجازه خواست که مقداری از آن نان ها را به دستمال ببندد و برای تبرک همراه خود ببرد.

شهر رمضان مبارک انزلنا القرآن

اللَّهُمَّ غَشِّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ

خدایا در این ماه با رحمتت فروگیر،

وَ ارزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ

و توفیق و خود نگهداری نصیبم کن،

وَ طَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَاهِبِ التُّهْمَةِ

و از تیرگی های تهمت دلم را پاک گردان،

يَا رَحِيمًا بَعْبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

ای مهربان به بندگان با ایمان.

دعای روز
بیست و نهم

رسم رمضان

از او باشد انلیق تا قره بایرام در زنجان



رسم او باشد انلیق

انجام رسم بیدارباش، کوبیدن در خانه ها و شلیک توپ های مشقی از شیوه های اطلاع رسانی مردم زنجان برای وقت سحر در گذشته بود. بعدها که کارخانه کبریت سازی زنجان احداث شد، متصدی سوت این کارخانه با نواختن آن زمان سحر و حتی افطار را به اطلاع عموم می رساند. همچنین زمانی که بلندگو، رادیو و ساعت نبود، عده ای روی پشت بام ها می رفتند، با صدای بلند به خواندن مناجات می پرداختند و مردم را بیدار می کردند.

رسم افطاری و سحری

زنجانی ها برای افطاری اهمیت خاصی قائلند و با سلیقه تمام هر شب آن را انجام می دهند؛ حال این افطاری چه بخواهد به صورت میهمانی باشد، چه به صورت خانوادگی و خودمانی. همچنین برای سحر هم تدارک لازم را می بینند. آش کشک، آش ترش، شیربرنج، آش بلغور، تاس کباب، فرنی، کله پاچه، حلوا، آبگوشت کوفته، کله جوش، پیاز آب، سوپ، رنگینک و انواع خورش ها از غذاهایی است که برای افطاری و سحری پخته می شود. در سفره مردم زنجان نمک جایگاه ویژه ای دارد که قبل از بازکردن افطار با انگشت کمی نمک می خوردند و در آخر هم با کمی حلوا دهان خود را شیرین می کنند. از دیگر آیین های ماه رمضان در زنجان، بردن افطاری به خانه نو عروس بود که این رسم امروزه بیشتر در قالب دعوت خانواده عروس و اطرافیان آنان به افطاری اجرا می شود.

نان مخصوص ماه رمضان

چای چورکی (نون چایی) نان مخصوصی که در این ماه زینت بخش سفره های زنجانی هاست. نان چایی از آرد، آب، شیر، شکر، تخم مرغ، روغن مایع و کنگد در اندازه های کوچک در قنادی های زنجان پخت می شود.

دوختن کیسه لعن ابن مجلم مرادی

دوختن کیسه لعن ابن مجلم مرادی یکی از رسوم

چی بخوریم؟

